

## نمایش خودروهای لوکس قاچاق پس از توقیف



علی باقرآزاده/ دیروز پلیس مشهد نمایشگاه خاصی در مشهد به راه افتاد و در آن دستگاه خودرو لوکس خارجی بهاره از قاجاریان کشف شده بود. به نمایش گذاشت. فرمانده انتظامی خراسان رضوی در حاشیه این نمایشگاه در جمع خبرنگاران گفت: ارزش ربالی این خودروها بیش از ۱۰۰ میلیارد ریال است که در استان کشف شده است. سردار محمدکاظم تقوی افزود: این خودروهای خارجی در شهر مشهد و کوهپایه‌های خراسان رضوی توسط افرادی که در گذشته فاقد وجهات قانونی بودند و تغییر در ارکان خودرو دارند یا دارای ادعاه حشده در حسنه کلاه نظر کشور قاچاق محسوب می‌شوند و به صورت‌های مختلف در زمینه قاچاق شده‌اند. وی اشاره به اقدامات صورت گرفته در زمینه مبارزه با قاچاق کالا در سال جاری، افزود: از ابتدای سال و بلاش و پیگیری مستمر پلیس امنیت اقتصادی استان، بیش از ۱۰ هزار میلیارد ریال قاچاق کشف و ضبط شده است. ۴۵۰ میلیارد در این حوزه شناسایی و منهدم شده است.

کوتاه‌تر  
از حادثه

## قصور پزشکی عامل مرگ مرد ۴۶ ساله

تسليم! صبح يكشنبه شانزدهم دي ماه گراش مرگ مشكوك مردى ميان سال به پليس تهران اعلام شد. با حضور تيم جنايى در سردخانه بيمارستان، مأموران با جسد مردى چهل وشش ساله روبه روى شدند كه بر اثر عمل جراحى قلب بازيه بكام مرگ رفته بود. پس از تحقيقات مقدمه اى مشخص شد جان باخته چار بيمارى قلبي بوده و برائى اقدامات درمانى به اين بيمارستان منتقل شده، اما پس از جراحى فوت كرده است. خانواده متوفى پس از اين حادثه شكارتشان را با عنوان قصور پزشكى ازكردار درمان بيمارستان مد نظر مطرح كردند و با دستور قضائى جسد برائى معاينت دقيق تر به پزشكى قانونى تسليم شد.

## واژگونی خونین مینی بوس دانش آموزان

ایرانا! صبح دیروز شهروندان زنجان با خبر تلخ حادثه برای جمعی از دانش آموزان روبرو شدند. واژگونی مینی بوس سرویس مدرسه در مسیر روستای جوقین به شهر زنجان یاد در این استان، لحظات پراضطرابی را برای خانواده‌های دانش آموزان رقم زد. این حادثه در ساعات اولیه روز و در مسیر رفت و آمد دانش آموزان رخ داد و بار دیگر زنگ خطر ایمنی سرویس‌های مدارس را به صدا درآورد. با اعلام حادثه اما مدیران به محل اعزام شدند و بعد از اقدامات اولیه پیش بیمارستانی، هشت نفر از شاگردان مصدوم این حادثه به بیمارستان شهید رجایی زنجان منتقل شدند.

## نجات معجزه آسای یک دامدار از اعدام

ایستاد پنج سال پیش دامداری درکوه های تنکابن یک روز جازه چوپانش را درحالی که تیر خورده بود، پیدا کرد و پس از قوت چوپانش، او به جرم قتل دستگیر شد. فرد دامدار جرم قتل را انکار می کرد و پس از رسیدگی به پرونده در دادگستری ماند. بنابراین، آنجا که موضوع برای قاضی مهم بود، کار به قسامه کشیده شد. با وجود این، پس از پیگیری های گسترده حکم قصاص برای دامدار صادر شد، اما پس از پنج سال یک وکیل که در جریان این پرونده بوده است، از قرضه می می شنود که دو مرتبه گفتند که سال ها قبل برای شکار رفتند و ناخواسته، یک مرتبه قتل یک چوپان شده است. پس از کشف این سوءاستدات، پرونده دوباره به جریان افتاد و دو نفری که چنین حرفی زده بودند، احضار شدند. آن ها درحالی منکر موضوع بودند که یکی نتوانست دلیل درستی برای زخم قدیمی صورتش بیاورد. با انجام تحقیقات تکمیلی، اتهام قتل را پذیرفتند و اعتراف کردند که روز برای شکار به تنکابن رفته اند و نزدیک غروب دنبال شکار بوده اند که یکی از آن ها متوجه شده است چیزی نکان می خورد و با این تصور که انگار خرس است، به او شلیک کرده است. اما زمانی که نزدیک شکار خرس است، جازه دامدار روی او رفته و او را از آن ها آن قدر ترسیده که از پرتگاه به پایین سقوط کرده و زخمی شده است. با این اعتراف، فرد دامدار پس از پنج سال آزاد شد.

جهان

## مرگ ۲ پیرمرد بر اثر خوردن شیرینی

ایستاد در سه روز نخست تعطیلات سال نو میلادی در تویکوبو. ۹ سالمند به دلیل خفگی پس از خوردن «موچی» که نوعی شیرینی برنجی چسبناک است، به بیمارستان منتقل شدند و دو نفر از آن ها فوت کردند. این ۹ نفر بین ۸۴۷۳۳ سال بوده و جان باخگان در مرد هفتاد و هشتادساله بودند که به تنهایی در خانه هایشان میال خودره بودند. خوردن این شیرینی های برنجی یک سنت سال نو در چین است.

## ۸ گشته در آتش سوزی روسیه

مهراآتس سوزی در یک آپارتمان چوبی در منطقه‌ای در غرب روسیه، جان هشت نفر را گرفت. این آتش سوزی در روستای کیلمز رخ داد. گزارش‌های اولیه حاکی از آن بود که هفت نفر جان خود را از دست داده‌اند و جسد نفر هشتم هنگام آواربرداری کشف شد. این ساختمان یازده سکنه داشته‌است که بیشترشان بازنشسته بوده‌اند.

# قتل به بهانه جلب



ماشین گفت دوتا دم تو بازویش ولی  
خون نیامد که ما خنیدیم. کل ما چرا  
بیست تاسی نایه بود.  
(«رضا»، متولد ۱۳۴۹، نیز در این باره  
گفت: از ماشین پیاده شدیم، آدم جلوی  
دیدم حسین اول رفت، بعد علی بدو  
رفت و دستش قمه بود که نفهمیدم از کجا  
آورده است و همان طور که فحش می داد،  
آن مرحوم را می زد که یک صحنه جلیل آمد  
خود را یک بشکند کار فک کردم می خواهم  
چیزی بردارم. از ترس دناضریه روی پاها  
راستش زدم.

● اسلحه از ازارهای کار بیرون کشیدم  
منتهم به قتل دربار، صحنه جنایت  
بیان کرد: من قمه های را گرفتیم. امدد  
جای در دوتا ترم هوای سرش. کلاسی  
نایاب طول کشید. اسلحه را سال ۱۴۰۰  
۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان خریدم و وزیر  
خاک قایم کرده بودم که برداشتم و توی  
کیسه بود. همراهان نمی دانستند اسلحه  
دارم. من می خواستم دست و پایش  
را بشکنم. چون دستم را شکسته بود.  
فصل قتل داشتم.

را همراهی می کرده است. درباره این صحنه مدعی شد: من قمه داشتم که علی از من گرفت و دوید در ماشین راباز کرد. من نگاه می کردم. «حسین خ» علی را گرفت و می گفت زن، دارد می میرد. چون جلیل افتاده بود. حسن هم که جلو جمشید را گرفته بود. بعد قمه را از علی گرفتم و یک ضربه با پشت قمه زدم.

■ «حسین خ» متولد ۱۳۴۷، به عنوان یکی دیگر از افراد دخیل در این نزاع مگر بار، بیان کرد: اولین نفر من پیاده شدیم و دست خالی بودم. آمدن جلیل را باگیرم و نمی دانستم تیر خورده است. دیدم دارد خرنا می کشد. بیهوش کامل بود. خون ها را که دیدم، ترسیدم. رفتم دورتر که علی آمد جلو و با شمشیر زد. هرچه خواستم جلوش را بگیرم، نشد و او فقط می زد. رضا هم یکی دو ضربه زد به بازویش، اما حسن هیچی نداشت و من هم نزدم.

■ «حسن.خ.» متولد ۱۳۶۹، نیز در برابر پرسش‌های مقام قضایی اعلام کرد: من هیچی نداشتم. علی آمد سمت جمشید. من نگذاشتم بزند، ولی علی زد. رضا را هم ندیدم بزند، اما وقتی نشست درون

تو بیا پایین، ما باتو مشکلی نداریم. دقیقا حضور ذهن ندارم که صورت حسن بسته بود یا ماسک داشت. بعد یک نفر دیگر که صورتش بسته بود، بایک شمشیر آمد طرفم و گفت برو عقب و تهدید کرد. دستانم را گذاشتم روی سرم و سه چهار قدم رفتم و کنار گاردریل زرد ایستادم و نگاه می کردم.

چند نفر ریختند سرش؟  
پنج شش نفری بودند، اما آنجا نشناختم.  
همه شش نفری که درون خودرو بودند،

ریختند روی سرش؟  
یادم نیست. چون یک لحظه فرار کردم  
ورفتم آنجا و نگاه می‌کردم. علی سروصدا  
می‌کرد و فحش می‌داد.

● از دور نگاه می‌کردی، نفهمیدی دستشان چی بود؟

علی قمه داشت. البته تاریک بود. علی راهم بعد از روی تی شرت سفیدش شناختم. چون از سمت راننده، جلیل را می زدند. چون تابستان بود و شیشه ها پایین بود و جلیل نتوانست پیاده شود.

**دیگر متهمان چه گفتند؟**

■ «هادی.خ»، متولد ۱۳۷۱ که متهم به قتل

احساس کردم دستم می سوزد و دیدم شش یا هفت ساچمه به دست راستم خورده است. پس از شلیک دوم، به جلیل گفتم بزَن دنده عقب. این هامي خواهند تو را ربكشند. ازش پرسيدم اين ها كه هستند؟ گفتم نمي دانم. جليل زد دنده عقب به سرعت زياد تا بولوا بر پيرت رفتيم. دوتا جليل خيلي خوروا زير دست داشت. از دم صرتي رفتيم اول مهرايان و دور زديم.

## درگیری دوباره، صدها متر دورتر

پس از این صحنه، این خودروها وسط صدمتری دوباره به یکدیگر رسیدند که پژو یارس از پشت به خودرو مقتول زد و خودرو

دور خودش خرید. بعد از این صحنه، حدود شش نفر از خودرو پیاده شدند و به مقتول حمله کردند.

جمشید درباره این صحنه گفت: اینجا که ماشین ما ایستاد، جلیل از حال رفته بود. این ها از پشت زدند به ماشین ما و خریدیم. بعد علی با چند نفر دیگر پیاده شد. علی که فرصت نداشت، من در را باز کردم. دو نفر با سرعت بسته آمدند طرف من. «حس حس» مرا شناخت و گفت: آمیند.

## ساقی خاکستری دستگیر شد

**علی بابا زاده:** با تلاش پلیس مبارزه با مواد مخدر، یک قاچاقچی در شهرک سیدی شناسایی و دستگیر شد. پیگیری این پرونده به صورت ویژه در دستورکار مأموران انتظامی قرار گرفت و مأموران با شناسایی مخفیگاه متهم در خیابان خاکستری، راه صورت نامحسوس زیر نظر گرفتند.

در ادامه مأموران با هماهنگی قضایی در اقدامی ضربتی و غافلگیرانه وارد این مخفیگاه شدند و در بازرسی از مخفیگاه متهم ۱۵۰۰ گرم تریاک در قالب ۲۴۱ بسته آماده فروش، مقادیری وجه نقد حاصل از فروش مواد مخدر و یک دستگاه ترازوی کوچک کشف کردند. متهم پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

## نوید پلیس به ساکنان شهرک نوید

شهره‌آرا افزایش گزارش سرقت‌های شبانه‌آسا ساختمان‌های در حال ساخت در محدوده شهرک نوید مشهد، نگرانی‌های شهروندان را به همراه داشت.

[illegible]